



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۲۶

محمد مُحق

در باره صیغه/نکاح موقت در مذهب جعفری

با محدودیت‌هایی که برای هموطنان شیعی مذهب ما در افغانستان ایجاد شده است، موضوع صیغه یا نکاح موقت، از ابزارهای فشار بر آنان شده و زمینه هجوم بر آنان را فراهم آورده است. نکاتی را در این زمینه به عرض می‌رسانم:

۱. صیغه اصطلاح عامیانه برای ازدواج موقت است که در کتاب‌های فقهی به آن متعه، یعنی بهره بردن، گفته می‌شود. این نوع از قرارداد میان زن و مرد که به صورت موقت انجام می‌شود، در فقه مذهب جعفری جواز دارد، و حرام نیست. مذهب جعفری یکی از مذاهب فقهی پیشینه‌دار در تاریخ اسلام است که به امام جعفر صادق منسوب است. اگرچه از خود ایشان اثری مکتوب که مستقیماً به دست خودشان نوشته شده باشد امروزه در دسترس نیست تا ما بدانیم که آیا دقیقاً همین نظرات را داشته است یا خیر، اما شکی نیست که ایشان در زمان حیات خود از شخصیت‌های برجسته جامعه اسلامی بود و حتی در میان کسانی که ایشان را به حیث امام قبول نداشتند، به حیث مجتهد و صاحب نظر شناخته می‌شد. در قرن بیستم، مرحوم شیخ محمود شلتوت، شیخ بزرگ الازهر، مذهب جعفری را در کنار چهار مذهب فقهی اهل سنت معتبر شمرده و عمل به آن را تجویز کرد. بنا بر این، موضوع متعه یا نکاح موقت نیز حکمی فقهی است، و جدا از اینکه کسی با آن موافق باشد یا مخالف، اگر کسی به آن عمل کند/کرده باشد، مطابق یکی از مذاهب فقهی مسلمانان عمل کرده است و قابل مجازات و تعزیر نیست. البته جواز این عمل در مذهب جعفری به معنای رواج آن در میان همه اهل تشیع نیست، و در هر جامعه‌ای بنا بر عرف‌های فرهنگی ممکن است مستحب، مباح یا مکروه پنداشته شود.

۲. در میان اهل سنت نوعی شبهه اجماع بر تحریم صیغه/متعه وجود دارد، اما اجماع مطبق، یعنی اجماع کامل و همه‌جانبه نیست. از میان قداما، ابن عباس که از بزرگان صحابه در عرصه ققاهت است آن را جایز دانسته و روایات مشابهی منسوب به ابن مسعود، جابر بن عبد الله انصاری، ابوسعید خدری و معاویه بن ابی سفیان نیز در منابع آمده است، اما وثاقت این روایت‌ها محل اختلاف است. از میان فقهای تابعین نیز، طبق روایت‌ها، کسانی آن را جایز می‌دانسته‌اند، از جمله عطاء بن ابی رباح، سعید بن جبیر و طاوس بن کيسان. البته اگر آن روایت‌ها معتبر بوده باشد.

۳. مهم‌ترین سند ممنوعیت این حکم در نزد اهل سنت روایت‌هایی در کتاب‌های حدیث است که می‌گوید پیامبر اسلام این عمل را، بعد از فتح خیبر، در سال هفتم هجرت، تحریم کرده است. یعنی اتفاق نظر وجود دارد که در بیست سال از حیات آن حضرت این عمل در میان مسلمانان جایز و رایج بوده است و تنها سه سال و اندی قبل از رحلت‌شان ممنوع شده است. اما دو اشکال در مورد این روایت‌ها وجود دارد، یکی اینکه اخبار ظنی است، یعنی ثبوت آن‌ها به درجه قطعی نرسیده است، دوم اینکه روایت‌های دیگری می‌گوید که مدتی پس از تحریم، بنا به درخواست صحابیانی که به ماموریت‌های چند ماهه می‌رفتند دو باره جواز پیدا کرده و پس از مدتی مجدداً منع شده است. در روایتی از سبرة بن معبد جهنی آمده است که یکسال بعد از خیبر، در سال فتح مکه، پیامبر اسلام ما را به متعه فرمان داد اما هنوز این سال به پایان نرسیده بود که ما را از آن بازداشت. در روایت سلمه بن اکوع آمده است که پیامبر اسلام در واقعه اوطاس در سال هشتم هجری برای سه روز متعه را تجویز کرد و سپس منع کرد. با توجه به تعارض‌هایی که در این روایات به

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولي

ظاهر صحیح دیده می‌شود تحریم آن محل تردید قرار گرفته که آیا حکمی شرعی بوده است یا فرمانی حکومتی. این تردید از اینجا نیز تقویت شده است که طبق روایتی مشهور در صحیح مسلم، حضرت عمر در دوران حکومت خود گفته "متعاهای را که در زمان پیامبر انجام می‌دادید من تحریم می‌کنم"، و بیشترین عامل تحریم/ممنوعیت این کار همان فرمان است. از آنجایی که انسان‌ها صلاحیت تحریم شرعی را ندارند، این احتمال به میان آمده است که مراد از آن ممنوعیت حکومتی باشد نه تحریم شرعی، و در اصطلاح قدما تحریم به هر دو معنا به کار می‌رفته است.

۴. در شریعت اسلامی، مبنای قطعی حلال و حرام آیات قطعی الدلاله قرآن و احادیث قطعی الثبوت نبوی، یعنی احادیث متواتر است. در باره تحریم متعه یا نکاح موقت چنین دلیلی وجود ندارد. از ضمن برخی آیات، گاهی استنباط شده است که گویا نکاح موقت جایز نیست، ولی هیچ آیتی بر این تصریح ندارد. بلکه به عکس، آیه ۲۴ سوره نساء بر جواز آن دلالت واضحی دارد، زیرا می‌گوید در بدل بهره‌ای که از آنان می‌برید اجرت شان را بدهید. این آیه البته تأویل‌های دیگری نیز دارد اما معنای آشکار آن همان جواز متعه است.

۵. ازدواج و نوعیت رابطه مرد و زن در طی تاریخ و در شریعت‌های مختلف پیوسته در نوسان بوده، و به نظر می‌رسد که در هر دوره تاریخی تحت تاثیر شرایط اجتماعی خاص آن دوره قرار داشته است. تحولات فرهنگی و تمدنی نه تنها شکل‌های مختلفی به این موضوع بخشیده بلکه معانی گوناگونی نیز به آن داده است. از گذشته تا امروز، برقراری پیوند میان مرد و زن گاهی پاسخ به نیازهای غریزی، گاهی خلأهای عاطفی، گاهی حمایت اجتماعی، گاهی اهداف سیاسی، و گاهی دیگر ترحم انسانی بوده است. ازدواجی که همه موارد یادشده را با خود داشته باشد به ندرت اتفاق می‌افتد. برخی افراد در پاره‌ای از مواقع که بخشی از این نیازها برآورده نشده به ازدواج موقت پناه می‌برند.

۶. برآوردن نیاز جنسی تنها انگیزه ازدواج نیست، اما قوی‌ترین انگیزه در پیوند میان دو جنس است. درک انسان‌ها از موضوع جنسی از ادوار اولیه تاریخی تا امروز تفاوت بسیار زیادی کرده و با پیچیدگی‌های بسیار زیادی همراه شده است که قدما به آن واقف نبودند. درک قدما از ازدواج واز امر جنسی درکی خام و غیر علمی بود. امروزه با مطالعات علمی روشمندی که در این باب صورت گرفته است، به آن از ابعاد مختلفی نگریسته می‌شود مانند بعد فیزیولوژیک، بعد بیولوژیک، بعد نورولوژیک، بعد سوسیولوژیک، بعد سایکولوژیک، و بعد انتروپولوژیک، به علاوه نگرش‌های فلسفی، حقوقی و قانونی. در کنار آن، با فرصت‌ها و تجربه‌هایی که شرایط مدرن در این زمینه فراهم آورده است، چارچوب‌های درک سنتی از آن در معرض پرسش قرار گرفته است. این موضوع البته خارج از حوصله این یادداشت است و توضیح آن در اینجا نمی‌گنجد. با توجه به تنگنانهایی که در برخی از ازدواج‌ها، و یا برای پاره‌ای از افراد در شرایطی ویژه از قبیل مسافرت‌های طولانی‌مدت تحصیلی و مانند آن‌ها پدید می‌آید، برخی از صاحب‌نظران ازدواج موقت را یک راه حل می‌شمارند.

۷. در میان دانشمندان معاصر اهل سنت کسانی ازدواج موقت را یک راه حل اضطراری برای برخی افراد در برخی شرایط دانسته و حکم به جواز آن یا شکل‌های مشابه آن مانند نکاح مسیار یا زواج فریند داده‌اند. شخصیت‌هایی مانند حسن ترابی، عبد المجید زندانی، جمال البنا، احمد صبحی منصور و دیگران در باره راه‌های حل مورد نظر بحث کرده‌اند. آنان با التفات به دشواری‌هایی که افزایش نفوس، توسعه جوامع و تغییر مناسبات اجتماعی در پی آورده و مدل سنتی ازدواج را با تنگنا مواجه کرده است، می‌گویند ازدواج موقت یا چیزی شبیه آن می‌تواند راه حل باشد.

۸. ازدواج دایمی به شکل تک‌همسری تا اکنون به عنوان گسترده‌ترین و معتبرترین مدل ازدواج در سطح جهانی شناخته می‌شود، و پیش‌بینی می‌شود که تا نسل‌های بسیار به همین شکل باقی بماند. تجویز ازدواج موقت در فقه شیعی یا در نزد شماری از اهل سنت به معنای مساوی دانستن آن با ازدواج دایمی نیست، زیرا تربیت سالم نسل آینده و تامین آشیانه مناسب برای پرورش فرزندان تنها در ازدواج دایمی به صورت تک‌همسری مساعد است، و این یکی از دلایلی است که آن را به فرمی جهانی تبدیل کرده و از مرز ادیان و فرهنگ‌ها فراتر برده است. با این حال، ازدواج دایمی و تک‌همسری عملاً نتوانسته است جلو روابط بیرون از ازدواج را بگیرد، و در همه جوامع دنیا و تقریباً در میان همه اقشار جامعه، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، روابط بیرون از ازدواج، به صورت پنهانی یا آشکار، به ویژه به شکل موقت، در سرتاسر کره

زمین از هزاران سال پیش جریان داشته و تا اکنون ادامه دارد. با توجه به این واقعیت، پای ازدواج موقت به عنوان یک راه حل نسبی به میان آمده است. نسبت آن با ازدواج دائمی مانند نسبت قاعده و استثناست و حتی اگر تجویز هم شود استثنایی است که قاعده را ابطال نمی‌کند و قرار نیست جایگزین آن شود.

۹. بدون شک ابعاد حقوقی این مسئله در جای خود بسیار مهم است و در این زمینه پرسش‌هایی جدی نیز وجود دارد، و از همین رو لازم است به کمک دانش‌های نو آسیب‌شناسی شود تا مشخص گردد که آیا مصالح آن بر مفسد آن می‌چربد یا خیر. این موضوع البته بیشتر از بعد حقوق و قوانین مدرن نیاز به بررسی دارد تا اگر تجویز قانونی هم پیدا کند کرامت دو طرف و سایر ابعاد قضیه در نظر گرفته شود. از منظر روایی و تکیه بر متون، هیچ یک از دو طرف موافق و مخالف، نمی‌تواند به این مناقشه پایان بدهد.

10. اگر شماری از اهل تشیع بر اساس حکم فقهی مذهب شان به آن عمل می‌کنند، کاری خلاف قرآن و سنت معتبر نبوی نکرده و از چارچوب فقهی مذاهب اسلامی بیرون نشده‌اند و نباید به این بهانه حقوق شهروندی شان آسیبی ببیند و یا در معرض تبعیض و اجحاف قرار بگیرند. پیروان همه مذاهب حق دارند مطابق با اعتقادات و آیین‌های مذهبی خود عمل کنند. اگر ما حق داریم که مطابق فقه امام ابوحنیفه (رح) زندگی کنیم، آنان نیز حق دارند مطابق فقه امام جعفر صادق (رح) زندگی کنند. زیستن مطابق به باورهای خویش از حقوق طبیعی همه شهروندان است و هیچ کس از آن مستثنی نیست.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین